

ما از عدالت سهمی داریم  
سازمان حقوق بشر ایران

سال سوم شماره ۶۷

۲۴ آبان ۱۳۹۶ / ۱۵ نوامبر ۲۰۱۷

# حقوق ما

سپنتا نیک نام و معضل تبعیض  
در قوانین ایران

## ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر ایران / محمود امیری مقدم

سردبیر این شماره: کامبیز غفوری

تحریریه: فیروزه رمضانزاده، میلاد عیسی‌پور، مژگان غفاری شیروان

صفحه‌بندی: ماهور خوش‌قدم

تماس با مجله: [mail@iranhr.net](mailto:mail@iranhr.net)

حقوق ما در ویرایش مطالب آزاد است

یادداشت‌هایی که از روزنامه نگاران و اشخاص دریافت می‌شود نظر شخصی آنان است و دیدگاه مجله حقوق ما نیست

قوانین ایران، حق شهروندی و تبعیض دینی

فاضل میبدی: آیه «نفی سییل» ربطی به مسأله  
سپتتا نیک‌نام ندارد

«تبعیض در نص قانون اساسی» و امکان  
«اصلاحات حقوقی جزئی»

قوانین جمهوری اسلامی ایران و تبعیض ساختاری  
نسبت‌به اقلیت‌ها

تعليق عضو زرتشتی شورای شهر و «بدعت» شورای نگهبان

رد نمایندگی نیک‌نام، منطبق با قوانین جمهوری اسلامی

ضربه‌ای که به دروازه خورد



# قوانین ایران، حق شهروندی و تبعیض دینی



کامبیز غفوری

حکم یکی از شعبات دیوان عدالت اداری مبنی بر تعلیق عضویت یک فرد زرتشتی از شورای شهر یزد - بدون هیچ تخلفی و تنها به دلیل مسلمان نبودن - باعث شد تا مباحث قانونی مربوط به حقوق شهروندی غیر مسلمانان در ایران، بار دیگر مطرح شود.

نام رسمی نظام حاکم بر ایران «جمهوری اسلامی» است. دین در قانون اساسی ایران نقش بسیار پررنگی دارد و تقریباً هیچ اصل مهمی بدون اشاره به اسلام و موازین اسلامی رها نشده است. تنها غیر مسلمانانی که طبق اصل سیزدهم قانون اساسی «اقلیت دینی شمرده می‌شوند»، مسیحیان، زرتشتی‌ها و کلیمیان هستند.

مندرجات اصل سیزدهم مبنی بر آزاد بودن «در انجام مراسم دینی» و عمل طبق آئین خود «در احوال شخصی و تعلیمات دینی» شامل پیروان سایر ادیان نمی‌شود و بی‌دینان و خداناباوران از همین حداقل‌ها نیز بی‌بهره‌اند.

با این حال، عضویت اقلیت‌های مذهبی رسمی در شوراهای اسلامی شهر و روستا، امری که تا چند ماه پیش هیچ‌گونه مانع قانونی بر سر راه آن نبود، اکنون با استناد به «قاعده نفی سبیل» در یکی از آیات قرآن و یک سخنرانی از آیت‌الله خمینی، با اشکال مواجه شده است.

اما آیا این تصمیم، با قوانین کنونی ایران منطبق است؟ آیا چنین تبعیضی در قوانین جمهوری اسلامی نهادینه شده است؟ آیا امکان اصلاح قوانین کنونی و حرکت به سمت رفع تبعیض - هر چند تدریجی - وجود دارد؟

«حقوق ما» این پرسش‌ها و سوالات مشابه را با چند حقوق‌دان و همچنین یک کارشناس امور دینی در میان گذاشته است. حجت‌الاسلام محمد تقی فاضل مبینی، عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم، معتقد است که آیه موسوم به نفی سبیل «هیچ ربطی به این مسأله ندارد» و حذف فرد زرتشتی نیز «هیچ مبنای قانونی و شرعی ندارد». او نحوه اداره مملکت را «بر اساس حقوق شهروندی» و «مفهوم ملت و دولت» می‌داند، «نه مفهوم امت و امامت».

لیکن امیرسالار داوودی، حقوق‌دان و وکیل ساکن تهران، می‌گوید که رد نمایندگی سپنتا نیکنام، نماینده زرتشتی



مردم یزد در شورای این شهر، با قوانین کنونی جمهوری اسلامی منطبق است.

نعمت احمدی نیز می‌گوید: «به فرض هم اگر بخواهیم براساس این آیه قرآن عمل کنیم، یک نماینده شورای شهر از طرف مردم «وکالت» دارد. کسی که در رأی‌گیری شرکت می‌کند و مردم به او رأی می‌دهند، چون وکیل مردم است، وکالت به او می‌دهند. وکالت منطبق بر آن آیه قرآن نیست. در آن آیه بر ولایت و رهبری تاکید کرده است.»

عبدالکریم لاهیجی، حقوق‌دان، این اقدام را از جهات مختلف غیر قانونی می‌داند. او می‌گوید که «شورای نگهبان نمی‌تواند هر زمان که اراده کرد، قوانین مورد تایید خود را مورد بازبینی قرار داده و در آن‌ها تجدید نظر کند» و نعمت احمدی نیز معتقد است که با این وضع، «دیگر هیچ قانونی در هیچ زمانی برای هیچ زمانی دائمی نیست.»

اما چگونه می‌توان قوانین را در جمهوری اسلامی به سمت

برابری‌خواهی در وجوه مختلف زندگی انسانی پیش برد؟ لاهیجی معتقد است که «نص قانون اساسی تبعیض‌آمیز است... بنابراین این بحث که می‌توان از دل همین قانون اساسی و با اصلاحاتی جزئی، یک ساختار غیر تبعیض‌آمیز بیرون کشید یک «اجتهاد خلاف نص» است و به هیچ وجه با قانون اساسی منطبق نیست.»

بهنام دارایی‌زاده، حقوق‌دان مقیم کانادا، بر این باور است که برای رفع تبعیض، در این چارچوب حقوقی موجود، تنها «اصلاحات حقوقی فرعی محتمل است.» او می‌گوید که «این تبعیض‌ها «ساختاری»‌اند؛ به این معنا که با سرشت و ماهیت جمهوری اسلامی گره خورده‌اند.»

از سوی دیگر، امیرسالار داوودی نیز مطرح می‌کند: «ما وقتی می‌پذیریم قالب حاکمیتی‌مان شرعی باشد ناچار هستیم که به قواعد شرعی غیر منطبق با موازین حقوق بشری آن گردن بگذاریم. اگر ما خواستار حکومتی هستیم که در آن «سیاست

ما عین دیانت ما و دیانت ما عین سیاست ما» باشد، نتیجه ای جز این وضعیت نخواهد داشت. پس به جای تلاش برای پاشیدن رنگ انطباق میان موازین شرعی اسلامی با قواعد حقوق بشری، باید این عدم انطباق را پذیرفت و مردم را برای تصمیم‌گیری درباره این شرایط دعوت کرد.»

همچنین در این شماره، مژگان غفاری شیروان به بررسی «قوانین جمهوری اسلامی ایران و تبعیض ساختاری نسبت به اقلیت‌ها» پرداخته است. فیروزه رمضان‌زاده و میلاد پورعیسی در تحریریه، گفت‌وگوها را انجام داده‌اند.

مشروح نظر حقوق‌دانان و صاحب‌نظران فوق‌الذکر را می‌توانید در شماره ۶۷ مجله «حقوق ما» بخوانید. همچنین در صفحه آخر برای علاقه‌مندان ادبیات، یک داستان کوتاه را از کافکا بازنشر می‌کنیم. این داستان به سال ۱۳۳۵ در شماره دوم دفتر «جنگ هنر و ادب امروز» با ترجمه «شرف»، منتشر شده بود.

## فاضل میبیدی: آیه «نفی سبیل» ربطی به مسأله سپنتا نیک‌نام ندارد



فیروزه رمضان‌زاده

سپنتا نیک‌نام، شهروند زرتشتی و عضو دوره چهارم شورای شهر یزد، پس از نامزدی در انتخابات دور پنجم شورای این شهر، با به دست آوردن نزدیک به ۲۲ هزار رأی، نفر هفتم منتخب مردم در شورای شهر یزد شد؛ لیکن فعالیت او با صدور نامه‌ای از جانب شورای نگهبان و حکم دیوان عدالت اداری، تعلیق شده است.

حجت‌الاسلام محمد تقی فاضل میبیدی، عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم در گفت‌وگو با «حقوق ما» معتقد است: «به نظر بنده اگر در دوره قبلی هم شورای نگهبان ایراد وارد می‌کرد، اشکالش وارد نبود، برای این که آیه نفی سبیل هیچ ربطی به این مسأله ندارد. آن، نفی سلطه کفار زمان پیغمبر است که با پیغمبر اسلام در جنگ و تعارض بوده‌اند، آن هم نفی سلطه اعتقادی و ایمانی، نه نفی سلطه مدیریتی، کار و تخصص. [در این مورد] کاملاً مسأله فرق می‌کند. یعنی اگر یک غیرمسلمانی در جامعه مسلمان مدیر شد، در جهت مدیریت یا رییس بیمارستان است یا عضو شورای شهر است یا مثلاً رییس فنی نیروگاه هسته‌ای بوشهر است که معمولاً روس‌ها هستند یا هر جای دیگر، فرقی نمی‌کند. یعنی حتی اعمال مدیریت در یک رشته غیر دینی و غیر اعتقادی از ناحیه «غیرمسلمان بر مسلمان هیچ اشکال شرعی و قانونی ندارد

پژوهشگر دینی ساکن تهران به بخشی از آیه ۹۰ سوره نسا، اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: «فان اعتزلوکم فلم یقاتلوکم والقوا الیکم اسلم فما جعل الله لکم علیهم سبیلاً: (با این دو طایفه از کافران که در حقیقت به شما پناهنده‌اند نباید قتال کنید.) و اگر خدا می‌خواست آنها را بر شما مسلط می‌کرد تا با شما قتال می‌کردند، پس هر گاه از شما کناره گرفتند و با شما نجنگیدند و تسلیم شما شدند، خدا برای شما راهی علیه آنها نگشوده است»، جالب است در قرآن، این آیه به مسلمانان خطاب می‌کند که اگر کفار با شما نمی‌جنگند و برای شما احترام متقابل قائل هستند، بر آنها سبیل ندارد، یعنی نفی سبیل دو طرفه است، هم نفی سبیل کفار بر مسلمانان و هم نفی سبیل مسلمانان بر کفار، یعنی یک مسلمان هم نمی‌تواند



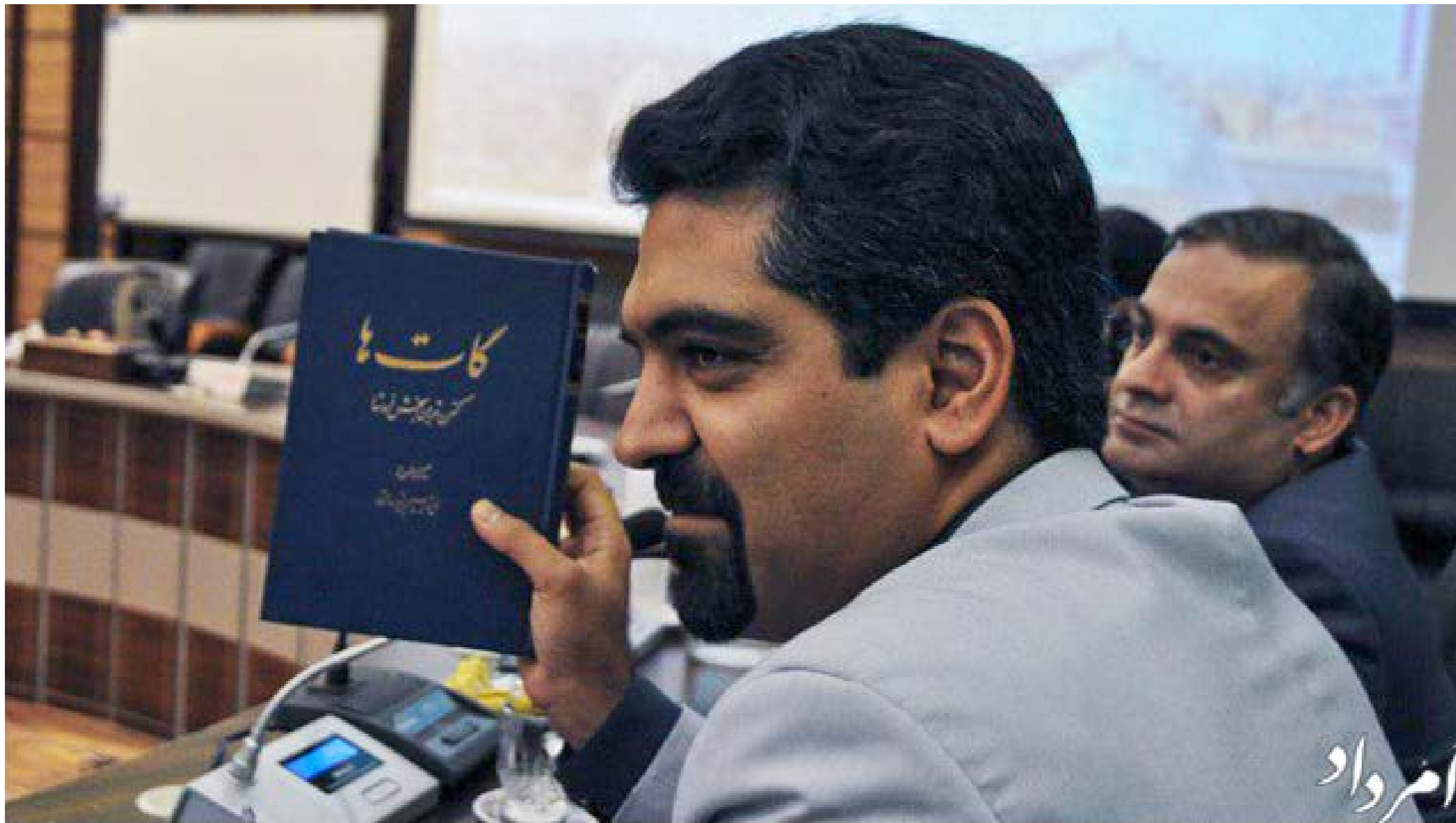
«بر یک غیر مسلمان اعمال ولایت بکند

فاضل میبیدی با اشاره به شکایت علی‌اصغر باقری، رقیب انتخاباتی سپنتا نیک‌نام از دیوان عدالت اداری پس از نتیجه نگرفتن از فرمانداری و استانداری، اضافه می‌کند: «شورای نگهبان وارد معرکه نشده بود آقای علی‌اصغر باقری که بازنده شده بود در مقابل آقای سپنتا نیک‌نام رفت شکایت کرد، پس از شکایت وی رفتند به اینجا رسیدند که راهی پیدا کنند تا این فرد مسلمان شاکی به شورای شهر راه پیدا کند و فرد زرتشتی حذف شود که به نظر بنده، این کار، هیچ مبنای قانونی و شرعی ندارد، همان طور که بسیاری از حقوقدان‌ها

و برخی از علمای قم هم به این مسأله پاسخ منفی داده‌اند و گفته‌اند اشکالی ندارد که در شورای شهر، یک فرد غیر «مسلمان بیاید و بر مسلمان‌ها اعمال مدیریت و نظر کند این روحانی شیعه، با اشاره به این که اقلیت زرتشتی در زمره «اهل کتاب» هستند، می‌افزاید: «زرتشتیان که در ایران به عنوان یک کشور اسلامی در پناه قانون اسلامی زندگی می‌کنند، کافر تلقی نمی‌شوند. آن غیر مسلمانی کافر است که بخواهد حربی داشته باشد و در برابر اسلام بجنگد و بایستد، یعنی صاحب هر نوع اعتقاد و عقیده‌ای که در یک کشور اسلامی و در پناه جمهوری اسلامی بخواهد زندگی بکند، همان حقی را دارا است که مسلمان‌ها دارند و او هم همان حقی را دارد که مسلمانان دیگر دارند؛ فرقی نمی‌کند. الان شما نگاه کنید زرتشتی، مسلمان، غیر مسلمان، یهودی، مسیحی، هر کس که صاحب هر اعتقادی باشد در یک کشور اسلامی که زندگی کند و شهروند آن کشور باشد و شناسنامه آن کشور را هم داشته باشد همان حقوقی که دیگران دارد او «هم داراست؛ تفاوتی نمی‌کند

حجت‌الاسلام فاضل میبیدی در پاسخ به این پرسش که چرا دیوان عدالت اداری همچنان حکم تعلیق پیشین سپنتا نیک‌نام را معتبر دانسته است، می‌گوید: «آن‌ها باید پاسخ‌گو باشند





تارنمای خبری زرتشتیان

Amordadnews.com

که چرا این کار را کرده‌اند. من تعجب می‌کنم؛ اساساً نحوه اداره مملکت براساس حقوق شهروندی است. یعنی براساس مفهوم ملت و دولت است و نه مفهوم امت و امامت. من بارها در صحبت‌هایم به این موضوع اشاره کرده‌ام؛ یعنی الان یک مسلمان غیر ایرانی مثلاً یک شیعه عراقی اگر بخواهد کاندیدای مجلس یا شورای شهر بشود، نمی‌تواند؛ چون شهروند ایران نیست؛ با وجود این که شیعه و مسلمان است؛ برای این که حق شهروندی ما را ندارد و تابع کشور ما نیست. اما بر مبنای فقهی آقایان اگر خواسته باشید نگاه کنید، باید یک مسلمان آفریقایی هم در ایران بتواند کاندیدا شود. اگر بحث مسلمان بودن باشد یعنی اگر اعمال ولایت مسلمان بر مسلمان اشکال ندارد و غیر مسلمان بر مسلمان اشکال دارد، پس هر مسلمانی از هر کشوری در ایران می‌تواند کاندیدا شود، چه وکیل مجلس یا وزیر و مدیر؛ اما چرا قانون به او اجازه چنین کاری نمی‌دهد؟ چون قانون براساس مفهوم ملت و دولت نوشته شده است، بنابراین هر کس که شناسنامه ایرانی دارد حق دارد و دارای حقوق شهروندی است. آن کسی که ایرانی نیست ولو این که مسلمان باشد ولو شیعه هم باشد در کشور ما از بسیاری از «حقوق محروم است»

عضو مجمع محققین و مدرسین حوزه علمیه قم، با بیان این که در جهان امروز حق و حقوق هر انسانی براساس حقوق شهروندی و مفهوم ملت و دولت ایجاد می‌شود، تأکید کرد: «یک شهروند ایرانی، چه مسلمان و چه غیر مسلمان، از حقوق مساوی و یکسان [با دیگران] برخوردار است. یک غیر ایرانی ولو شیعه باشد ولو مسلمان باشد، [اگر] در این کشور بخواهد اعمال مدیریت کند، قانون به او اجازه نمی‌دهد، اما بر مبنای آقایان، بایستی حق داشته باشد این کار را بکند. چرا به او اجازه نمی‌دهند؟ مثلاً اگر یک افغانستانی بخواهد در کشور به مدیریت برسد، اصلاً شناسنامه به او نمی‌دهند، ولو ۲۰ سال هم در ایران زندگی کرده باشد، می‌گویند تو اهل افغانستانی. ببینید اگر بر مبنای شورای نگهبان بخواهیم در نظر بگیریم، یک افغانستانی هم در کشور ایران باید بتواند کاندیدا بشود و «مدیر بشود»

حجت‌الاسلام فاضل میبیدی، با اشاره به سخنان آیت‌الله مدرس یزدی، عضو فقیه شورای نگهبان در مورد امکانات نظام جمهوری اسلامی در مورد اقلیت‌های ساکن ایران معتقد است: «صحبت‌های ایشان را شنیدم. ببینید! مثلاً یک پاکستانی در شهر لندن به سمت شهردار این شهر منصوب می‌شود که مسلمان است؛ اما چون تبعه انگلستان است، به سمت شهردار منصوب می‌شود. امروز مسلمانان در کشورهای دیگر دنیا مثل کانادا در محافل دولتی مثل مجلس حضور دارند، بنابراین

امروز این مرزبندی‌های ایدئولوژیک در دنیا وجود ندارد، در دنیا حقوق شهروندی و حقوق یکسان برای شهروندان قائل هستند. در دنیای امروز صحبت‌های ایشان محلی از اعراب ندارد. این که مسلمان‌ها بر غیر مسلمانان منت بگذارند که آن قدر امتیاز می‌دهیم که هیچ مسلمانی در دنیا آن قدر به غیر مسلمانان امتیاز نمی‌دهند، حرف غلطی است. شما به کشور آمریکا نگاه کنید همان کشوری که بسیاری از آقایان شعار مرگ بر آن را هم سر می‌دهند، مسلمان و غیرمسلمان در این کشور از حقوق مساوی برخوردار هستند شهروند این کشور که باشید از حقوق مساوی برخوردار هستید؛ تفاوتی «نمی‌کند»

این پژوهشگر دینی در مورد شرایط اقلیت‌های مذهبی در ایران، معتقد است: «من فکر می‌کنم در این زمینه به قانون

اساسی توجهی نمی‌شود. مثلاً بین اقلیت‌های مذهبی، حتی بین سنی‌هایی که در سیستان و بلوچستان یا کردستان زندگی می‌کنند، حتی اجازه ندارند به سمت استانداری این استان‌ها منصوب شوند؛ یا کسی از اهل سنت انتخاب شود، با وجود این که آن‌ها حق دارند در استان محل زندگی خودشان فردی از اهل سنت را به استانداری انتخاب کنند، این کم‌لطفی‌ها در حق اقلیت‌ها صورت می‌گیرد. حالا از چه ناحیه‌ای؟ من نمی‌دانم! اما به قانونی که خودمان نوشته‌ایم توجه زیادی نمی‌کنیم. مدیریت بالاخره حق هر شهروند ایرانی در هر رده مذهبی است، چه سنی باشد، چه شیعه، چه مسلمان و چه «غیر مسلمان»

او در ادامه توضیح می‌دهد: «حالا می‌گوییم شرط ریاست جمهوری براساس قانون اساسی شیعه‌بودن است ولی در

رده‌های مدیریتی دیگر مثل وزارت یا استانداری هیچ اشکالی ندارد و قانون هم منعی ایجاد نکرده است، اما متأسفانه عملاً به این موارد عمل نمی‌کنیم. من معتقدم استاندار سیستان و بلوچستان و کردستان باید بومی یا سنی باشد چرا که بخش مهمی از کشور، قوم‌های مختلفی زندگی می‌کنند که شیعه نیستند یا مسلمان نیستند. تفاوتی نمی‌کند؛ همه این افراد باید از حقوق یکسانی برخوردار باشند. از آقای روحانی، رییس جمهور، انتظار می‌رفت که در مسأله مناطق سنی‌نشین مثل کردستان و سیستان و بلوچستان تلاش می‌کرد تا استانداری از اهالی بومی یا اهل سنت انتخاب کند. به نظر من یک ترمیم و احترامی برای این شهروندان بود اما متأسفانه انجام نشد. «نمی‌دانم چه فشارهایی بر روی ایشان است»

## «تبعیض در نص قانون اساسی» و امکان «اصلاحات حقوقی جزئی»

گفت‌وگو با عبدالکریم لاهیجی و بهنام دارایی‌زاده



### میلا پورعیسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از معدود نظام‌های حقوقی است که کاملاً بر پایه اصول مذهبی بنا شده است. اختلاف بر سر تفسیر آن اصول مذهبی در میان دستگاه‌های مختلف این نظام سیاسی، در طی چهار دهه اخیر، بحران‌های سیاسی متعددی را به وجود آورده است. از مهم‌ترین نهادهایی که تفسیر آن از شرع اسلام و به تبع آن قانون اساسی در طی این چهار دهه بسیار جنجال برانگیز شده، شورای نگهبان قانون اساسی است. حدود اختیارات این نهاد پر قدرت در نظارت بر رقابت‌های انتخاباتی مختلف، از دهه ۷۰ و با اجرا شدن «نظارت استصوابی» و بعد از آن رد و تأیید صلاحیت‌های بحث برانگیز نامزدهای مختلف انتخابات‌ها، همواره موضوع مورد اختلاف نیروهای سیاسی درون نظام این نظام بوده است. آیا عملکرد شورای نگهبان در حذف سپنتا نیکنام از شورای شهر یزد بر اساس قاعده فقهی «نفی سبیل»، خلاف قانون اساسی است؟ آیا بر اساس قانون اساسی می‌توان به بازگشت این نماینده زرتشتی به شورای شهر یزد امیدوار بود؟

حقوق ما در این باره با دو حقوق‌دان، عبدالکریم لاهیجی و بهنام دارایی‌زاده، گفت‌وگو کرده است.

لاهیجی معتقد است: «شورای نگهبان با وجود اختیارات فرا قانونی که با عنوان نظارت استصوابی در دهه ۷۰ به دست آورد، باز هم به لحاظ قانونی هیچ حقی برای حذف نماینده منتخب مردم در شورای شهر یزد به هر بهانه‌ای ندارد.»

او در توضیح این مطلب در گفت‌وگو با «حقوق ما» می‌گوید: «انتخابات شورای شهر تنها انتخابات در جمهوری اسلامی است که تحت نظارت شورای نگهبان نیست. این شورا دو وظیفه کلی قانونی دارد؛ یکی این

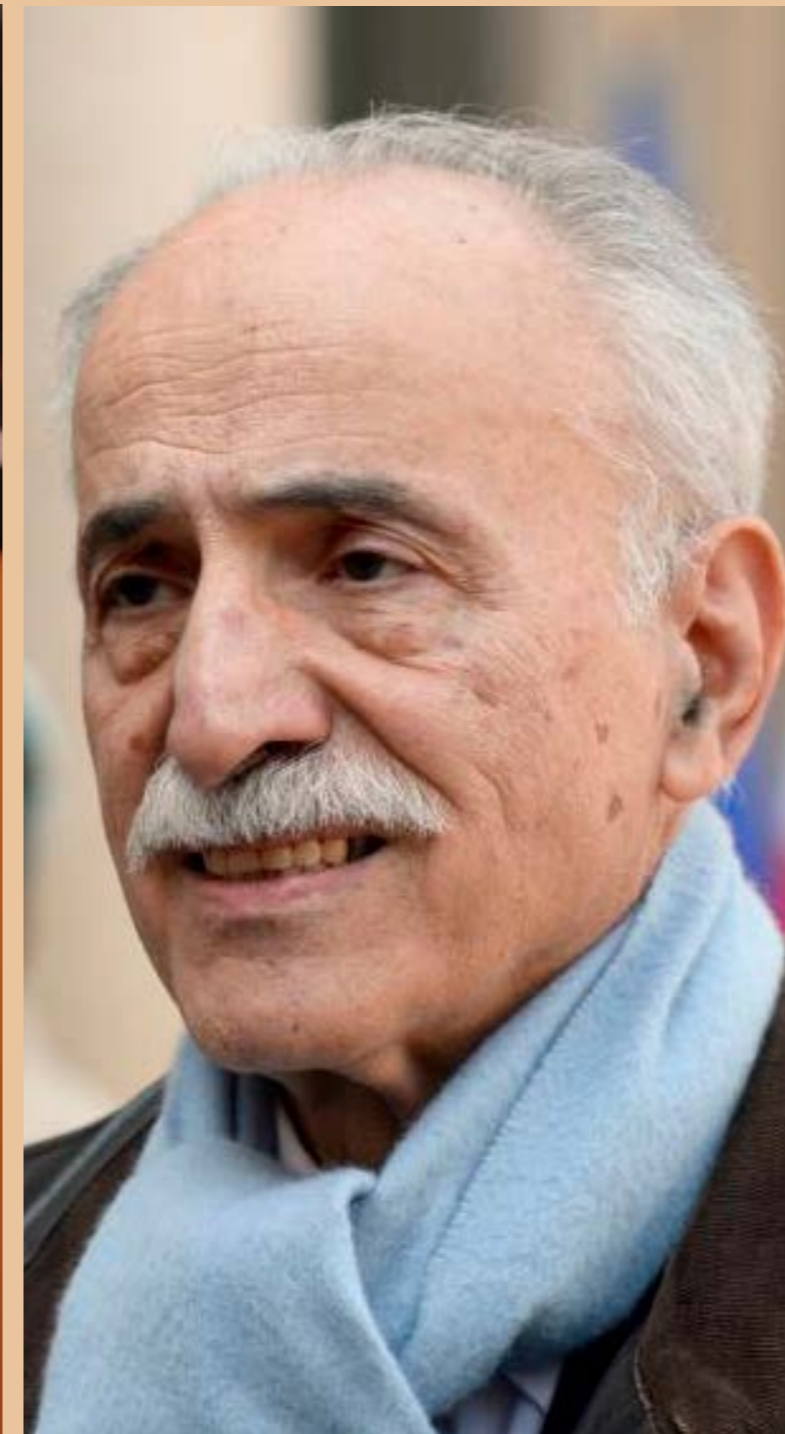
که مصوبات مجلس شورای اسلامی را از لحاظ تطابق با قوانین شرع و قانون اساسی بررسی کند و دوم این که بر انتخابات ریاست‌جمهوری، مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان نظارت کند.»

### رهبر باید به شورای نگهبان تذکر دهد

رئیس فدراسیون بین‌المللی جامعه‌های حقوق بشر، با بیان این که «در فهرست وظایف شورای نگهبان، نظارت بر انتخابات شوراهای شهر پیش‌بینی نشده است و این نهاد نمی‌تواند اختیارات فرا قانونی برای خود ایجاد کند»، نتیجه می‌گیرد که حذف سپنتا نیکنام از شورای شهر یزد بر پایه قاعده فقهی نفی سبیل از سوی شورای نگهبان، کاری غیر قانونی است.

اما این وسط شورای نگهبان هم بیکار ننشسته و در برابر این استدلال منتقدان که دخالتش در انتخابات شوراهای شهر را غیر قانونی می‌دانند، استدلال دیگری را ارائه کرده است. این نهاد می‌گوید که وظیفه‌اش نظارت بر قوانین، از جنبه تطابق آن‌ها با شرع اسلام است و به جای درخواست حذف آقای نیکنام از شورای شهر، خواهان تغییر قانون شده است.

عبدالکریم لاهیجی فعال حقوق بشر به این ادعای شورای نگهبان هم این گونه پاسخ می‌دهد: «برای این که شورای نگهبان از حدود اختیارات قانونی خود تجاوز نکند، قانون‌گذاران یک مهلتی را برای اظهار نظر این شورا در مورد تطابق مصوبات مجلس با قانون و شرع در نظر گرفته‌اند. بنابراین شورای نگهبان نمی‌تواند هر زمان که اراده کرد، قوانین مورد تأیید خود را مورد بازبینی قرار داده و در آن‌ها تجدید نظر کند. نکته دیگر این است که شورای نگهبان بر اساس قانون اساسی و قوانین عادی، حق نظارت بر انتخابات شوراهای شهر و روستا را ندارد.





# قانون اساسی

## جمهوری اسلامی ایران

بنابراین قطعاً این اخلاقی که نهاد تحت امر آیت الله جنتی در حق نمایندگی سپنتا نیکنام ایجاد کرده، به چندین دلیل غیر قانونی است.»

در چند روز اخیر، با وجود تب و تاب اولیه موضوع ماندن یا رفتن آقای نیکنام از شورای شهر یزد، سر و صداها در این زمینه خوابیده است.

آخرین اظهارات نهادهای قانونی از جمله مجلس که نهاد ناظر بر انتخابات شوراهاست، این بوده که تا زمان تغییر قانون، سپنتا نیکنام می‌تواند به نشستن بر کرسی نمایندگی ادامه دهد.

از عبدالکریم لاهیجی پرسیدیم، با همین چارچوب قانونی چقدر امکان بازگشت عضو زرتشتی شورای شهر یزد به این نهاد وجود دارد؟

عبدالکریم لاهیجی معتقد است: «رئیس مجلس شورای اسلامی بر اساس وظیفه قانونی که در مورد انتخابات شوراها شهر و روستا دارد، بارها بر صحت این انتخابات تأکید کرده است. رئیس جمهور هم بر این امر صحنه گذاشته است. بنابراین موضوع آقای نیکنام حتی از موارد اختلافی میان قوای مجریه و مقننه هم نیست که به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع شود. با توجه به «ولایی‌بودن» نظام، تنها راه چاره این است که رهبر این نظام به شورای نگهبان برای کوتاه آمدن از موضع غیر قانونی خود تذکر و دستور دهد تا نماینده منتخب مردم بتواند به وظایف قانونی برسد.»

این حقوق‌دان با بیان این که «این بار اول نیست که نهادهای تحت امر ولی فقیه اقدامات خلاف قانون انجام می‌دهند و رهبر جمهوری اسلامی هم با سکوت خود، بر این رویه‌ها مهر تأیید می‌زند»، درباره تضاد این تصمیم‌های شورای نگهبان با اصول حقوق بشری، معتقد است: «حقوق شهروندی جزئی از حقوق بشر است. شهروند به تمام کسانی اطلاق می‌شود که در یک کشور زیست می‌کنند؛ فارغ از جنسیت و دین و تمامی تفاوت‌ها. حقوق سیاسی هم یکی از اجزاء مهم حقوق شهروندی است. شهروندان ایران باید از این حق برخوردار باشند.»

لاهیجی با بیان این‌که: «در قانون اساسی برای اقلیت‌های مذهبی یک وضعیت خاصی پیش‌بینی کردند و برای آن‌ها تعداد نمایندگان خاصی را در نظر گرفتند اما در انتخابات شوراها چنین محدودیت‌هایی در نظر گرفته نشده»، ادامه می‌دهد: «بنابراین در این انتخابات افراد می‌توانند فارغ از

در آن به وجود بیاید. من همان روزهای قبل از انجام فراندوم قانون اساسی در سال ۵۸ بارها این تذکر را دادم که این قانون اساسی نه با موازین حقوق بشر سازگار است و نه با اصول دموکراسی.»

این حقوق‌دان در پاسخ به این پرسش که «در چارچوب همین قانون اساسی اگر بخواهید تغییراتی را برای از میان رفتن یا کم‌رنگ‌تر شدن تبعیض جنسیتی و مذهبی میان مردم پیشنهاد بدهید چه پیشنهادهایی خواهید داشت؟» تأکید می‌کند: «یکی از مشکلات بزرگ این است که به دلیل غیر دموکراتیک بودن قانون اساسی، تغییر آن منوط به خواست و اراده ولی مطلق فقیه است.»

لاهیجی می‌گوید: «بعد از موافقت ولی مطلق فقیه با تغییر قانون اساسی باید دید مجلسی که به بازنگری این اصول می‌پردازد، تا چه حد اختیار دارد. اگر اختیارات این مجلس کامل بود باید در درجه اول، اصل ولایت فقیه را به کل از این قانون حذف کنند. در درجه دوم باید جمهوری اسلامی یک جمهوری عرفی شود و تمام مشروعیت این نظام بر پایه رأی مردم شود.»

\*\*\*

### بهنام دارایی‌زاده: تغییرات حقوقی فرعی امکان پذیرند

اما بهنام دارایی‌زاده، حقوق‌دان مقیم کانادا، درباره انطباق یا عدم انطباق عملکرد شورای نگهبان در مورد سپنتا نیکنام با قانون اساسی، به برخی اصول متناقض این میثاق حقوقی اشاره می‌کند و می‌گوید: «واقعیت این است که قانون اساسی جمهوری اسلامی به گونه‌ای تنظیم شده است که شما می‌توانید پاسخ‌های مختلفی به این پرسش داشته باشید؛ از سویی، شما با اصل چهارم قانون اساسی مواجهید که می‌گوید تمامی مقررات و قوانین کشور بایستی بر اساس اصول و موازین اسلامی (از جمله همین قاعده‌ی فقهی نفی سبیل) باشد و از سویی دیگر، اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی را دارید که بر برابری حقوقی تمامی افراد قطع نظر از مذهب و... اشاره می‌کند. با این وجود، اگر بخواهیم پاسخ مشخصی به این پرسش داشته باشیم، باید بگوییم که تعلیق و برکناری سپنتا نیکنام، مغایر با قانون اساسی جمهوری اسلامی و اصول و قواعد کلی حقوقی است.»

جمهوری اسلامی از بالا تا پایین باید شیعه باشند و حتی به ولایت فقیه هم معتقد باشند. اگر نگوییم همه، در بخش بزرگی از پست‌های مدیریتی این نظام، معتقدان به مذهب سنی نمی‌توانند وارد شوند.

بنابراین این بحث که می‌توان از دل همین قانون اساسی و با اصلاحاتی جزئی، یک ساختار غیر تبعیض‌آمیز بیرون کشید یک «اجتهاد خلاف نص» است و به هیچ وجه با قانون اساسی منطبق نیست.»

او می‌افزاید: «ساختار حقوقی و حقیقی که در طی این نزدیک چهار سال در جمهوری اسلامی به اجرا درآمده، ساختاری کاملاً تبعیض‌آمیز بین ادیان و جنس زن و مرد است و باید برای از میان برد این تبعیض، تغییری اساسی

دین و مذهب خود، نامزد بشوند و مردم هم حق دارند که بدون توجه به این تفاوت‌ها به آن‌ها رأی دهند.»

### تغییر بنیادین قانون اساسی لازم است

رئیس فدراسیون جوامع حقوق بشر، در پاسخ به این پرسش که «آیا معتقدید تبعیض میان مذاهب و جنسیت‌ها در قانون اساسی جمهوری اسلامی نهادینه است یا می‌توان با تغییراتی در برخی اصول آن، تبعیض را از بین برد؟» می‌گوید: «اجتهاد در برابر نص مردود است. نص قانون اساسی تبعیض‌آمیز است. حتی میان خود شیعیان با دیگر مذاهب اسلامی هم ما در جمهوری اسلامی تبعیض‌های فراوانی می‌بینیم. تمام مسوولان

دارایی‌زاده درباره دلایل این تحلیل خود توضیح می‌دهد: «علاوه بر اصول کلی قانون اساسی (از جمله همین اصول ۱۹ و ۲۰) آقای نیک‌نام، به قول خود علما، واجد «حقوق مکتسبه» بوده‌اند؛ حقوقی قانونی که نبایستی از ایشان گرفته می‌شد. دست‌کم تا هنگامی که هنوز قانون تازه‌ای تصویب و اجرا نکرده‌اند، ایشان باید در سمت قانونی خود باقی می‌ماند.»

### تناقض «شیعه سیاسی» با اصول حقوق بشر

این حقوق‌دان با اشاره به اصل ۹۴ قانون اساسی درباره مهلت ۱۰ روزه شورای نگهبان برای بررسی مصوبات مجلس، تأکید می‌کند که این نهاد قانونی نمی‌تواند بعد از این مهلت درباره قانونی که به شرایط انتخاب‌شوندگان شوراها شهر و روستا پرداخته نظر دهد و آن را خلاف شرع بداند.

دارایی‌زاده درباره چرایی تضاد این تصمیم شورای نگهبان با موازین جهانی حقوق بشر، می‌گوید: «عدم تبعیض یک اصل و قاعده‌ی عام و عمومی حقوق بشری است؛ به این معنا که تقریباً در تمامی اسناد بین‌المللی حقوق بشری، اعم از جهانی یا منطقه‌ای، به آن اشاره شده است. «رهایی از تبعیض» (Freedom from discrimination) یکی از حقوق و آزادی‌های بنیادین است که بدون آن اساساً مجموعه‌ی حقوق بشر، با هر درکی که بخواهید داشته باشید، اساساً معنا ندارد.»

دارایی‌زاده با اشاره به تأکید ماده اول و دوم اعلامیه جهانی حقوق بشر به اصل «عدم تبعیض»، ادامه می‌دهد: «کنوانسیون حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی نیز تبعیض میان افراد را در بهره‌گیری از حقوق و آزادی‌های معرفی شده، رد کرده‌اند. ایران عضو رسمی این پیمان‌نامه بین‌المللی است و نسبت به اجرای آن‌ها متعهد است؛ اما خُب در تحلیل نهایی، واقعیت این است که ما با یک ساختار سیاسی دینی مواجه‌ایم که هرچند تعهدات بین‌المللی فراوانی داده است و می‌خواهد که خودش را کشوری توسعه‌یافته و مدرن معرفی کند، اما در نهایت می‌بینیم که در داخل کشور یا در برخورد با شهروندان، در چهارچوب ملاحظات مذهبی یا ایدئولوژی حاکم، یعنی شیعه سیاسی رفتار می‌کند.»

بهنام دارایی‌زاده با اشاره به تبعیض نهادینه‌شده در ساختار



قانون اساسی جمهوری اسلامی، برمی‌شمارد: «شما اصل ۱۲ قانون اساسی را دارید که می‌گوید شیعه دوازده امامی، «الی‌الابد» بایستی مذهب رسمی کشور باشد. نهادهای پر قدرتی در ایران وجود دارند که تنها و تنها بر اساس ملاحظات یا مبانی شیعه، آن هم با تفسیر خودشان، بنا شده‌اند. از نهاد رهبری تا مجلس خبرگان و شورای نگهبان و... شما اصل ۱۳ قانون اساسی را دارید که تنها سه اقلیت مذهبی را به رسمیت می‌شناسد. بهائیان و سایر ادیان یا فرقه‌های مذهبی، حتا دروایش [و] یارسانیان نیز به طور نظاممند با محدودیت و سرکوب‌های مختلف مواجه‌اند. حقوق و آزادی‌های همجنسگراها به طور نظاممند نقض می‌شود و آن‌ها زیر سرکوب‌های مستمر حقوقی هستند.» او با بیان این که «قانون مجازات اسلامی و قانون مدنی ایران هم بر اساس تبعیض‌های مذهبی شکل گرفته‌اند»، تأکید می‌کند: «برای نمونه، در این چهارچوب حقوقی، غیرمسلمانان به هیچ وجه با مسلمانان برابر نیستند. اگر همه این موارد را کنار هم بگذارید و بخواهید که داوری منصفانه‌ای داشته باشید، باید بگویید که این تبعیض‌ها «ساختاری»‌اند؛ به این معنا که با سرشت و ماهیت جمهوری اسلامی گره خورده‌اند.»

### اصلاحات حقوقی جزئی امکان‌پذیر است

بهنام دارایی‌زاده همچنین در پاسخ به پرسشی درباره امکان انجام تغییراتی در چارچوب قانون اساسی فعلی جمهوری اسلامی برای رفع تبعیض جنسیتی و مذهبی، تأکید می‌کند: در این چارچوب حقوقی فقط «اصلاحات حقوقی فرعی محتمل است.»

این روزنامه‌نگار با بیان این که: «در نبود یک جامعه مدنی واقعی و قدرتمند، همه‌چیز در نهایت بستگی به اراده حاکم دارد»، ادامه می‌دهد: «اگر ملاحظات سیاسی-امنیتی کوتاه‌مدت یا درازمدت اقتضا کند، کماکان می‌توان می‌توان شاهد برخی از اصلاحات بود. برای مثال امروز می‌بینیم که می‌خواهند مجازات اعدام در جرایم مرتبط با مواد مخدر را کاهش دهند. اما اصلاحات رادیکال و معنادار، مانند لغو مجازات اعدام در تمامی جرایم، یا پذیرش حقوق همجنسگراها یا حتی پذیرش حق پوشش و لغو مقررات حجاب اجباری و... بسته به تغییرات رادیکال و معنادار در ساختار سیاسی ایران است.»

از هرچیز، یک ثئوکراسی است. بنابراین لازم است که در تمامی تحلیل‌های خودمان این واقعیت حقوقی-سیاسی را در نظر بگیریم.»

او با بیان این که: ««دستگاه حقوقی-قضایی جمهوری اسلامی، نماد بارز یک آپارتاید یا سازوکار تبعیض‌آمیز حقوقی است»، نمونه‌هایی از نهادینه‌بودن تبعیض را در دل

قانون اساسی جمهوری اسلامی، توضیح می‌دهد: «ساختار سیاسی ایران، یک سرشت و طبیعت مختص به خود را دارد. به این معنا که شما در ایران تنها باید یک ساختار سیاسی بسته و استبدادی از جنس حاکمیت احزاب بعث در عراق یا سوریه یا رژیم مبارک در مصر یا حکومت محمدرضا پهلوی مواجه نیستید. جمهوری اسلامی پیش



# قوانین جمهوری اسلامی ایران و تبعیض ساختاری نسبت به اقلیت‌ها



مژگان غفاری شیروان

سپنتا نیکنام، نامی است که این روزها بسیار بر سر زبان‌ها افتاده است. شهرتی که ناخواسته گریبان این عضو شورای شهر یزد را گرفته، نه به علت سر زدن عملی جالب توجه از سوی او، بلکه بر پایه‌ی آن‌چه که بر او روا داشته‌اند، بنا شده است.

در انتخابات دوره‌ی پنجم شورای شهر یزد که در اردی‌بهشت‌ماه ۹۶ برگزار شد، سپنتا نیکنام، با رأی شهروندان یزدی، به‌عنوان هفتمین عضو اصلی شورای یازده‌نفره‌ی آن شهر، انتخاب شد. با این وجود، در پی شکایت یکی از نامزدهای شکست‌خورده در آن انتخابات، دیوان عدالت اداری، در شهریورماه عضویت نیکنام را که در دوره‌ی چهارم نیز عضو شورای شهر یزد بود، در این شورا به‌طور موقت، به حالت تعلیق درآورد.

شکایتی که به تعلیق نیکنام منجر شد، برپایه‌ی زرتشتی بودن او ارائه شده بود و دیوان عدالت اداری هم اعلام کرده که حکم تعلیق این عضو شورای شهر یزد را براساس نظر احمد جنتی، دبیر شورای نگهبان صادر کرده است. جنتی حدود یک ماه پیش از انتخابات اخیر، در [ابلاغیه‌ای](#) خواستار جلوگیری از تأیید صلاحیت نامزدهای اقلیت‌های دینی در انتخابات شوراهای شهر و روستا شده بود. او عضویت اقلیت‌های دینی را در این شوراها، خلاف موازین شرع و ممنوع دانسته بود.

در پی این تعلیق، جنجال‌ها بالا گرفت. اعضای دولت، نمایندگان مجلس، مقامات قوه‌ی قضائیه، اعضای شورای نگهبان و مراجع تقلید، هریک در این مورد نظرات متفاوتی ابراز کردند. حسن روحانی، رئیس‌جمهوری اسلامی ایران نیز ۱۵ آبان‌ماه، در مورد این مسأله، گفت: «در این زمینه، قانون اساسی تکلیف را روشن کرده و باید مَرّ قانون اساسی، حقوق شهروندی، اعتماد عمومی و وحدت جامعه رعایت شود».

**\* «حقوق شهروندی» مورد اشاره‌ی رئیس‌جمهوری در این زمینه چه می‌گوید؟**

با نگاهی به [«منشور حقوق شهروندی»](#) آقای روحانی که حدود یک سال پیش، با تبلیغات فراوان منتشر شد، می‌بینیم که در آن، به‌طور



این اصل، با اشاره به آیه‌ی ۸ سوره‌ی ممتحنه در قرآن، کتاب آسمانی مسلمانان، دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان را موظف به درپیش گرفتن اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی نسبت به افراد غیر مسلمان و رعایت حقوق انسانی آنان کرده است. در آیه‌ی ۸ سوره‌ی ممتحنه، آمده است: «لا ینهاکم الله عن الدین لم یقاتلکم فی الدین و لم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین» (برگردان فارسی: خدا شما را از نیکی کردن و رعایت عدالت نسبت به کسانی که در راه دین با شما پیکار نکردند و از خانه و دیارتان بیرون نراندند، نهی نمی‌کند؛ چرا که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد).

با استناد به همین آیه، ذکر شده است که اصل چهاردهم، «در حق کسانی اعتبار دارد که بر ضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران، توطئه و اقدام نکنند».

پس به این ترتیب، براساس قانون اساسی، نیکی و رعایت عدالت و حقوق انسانی غیرمسلمانان در جمهوری اسلامی ایران، ضروری است. اما باز در تعریف «نیکی و اخلاق حسنه» و همچنین «حقوق انسانی» که در این اصل ذکر شده است، با ابهام روبرویم. آیا منظور از «حقوق انسانی»، همان حقوقی است که در [فصل سوم قانون اساسی](#) (اصول ۱۹ تا ۴۳) تحت عنوان «حقوق ملت» آمده است،

یا قوانین بین‌المللی «حقوق بشر» که جمهوری اسلامی ایران نیز ظاهراً بسیاری از آن‌ها را پذیرفته و ملزم به رعایت آن‌هاست؟ این‌گونه ابهامات در قانون اساسی، نقصانی است که پای نهادی چون شورای نگهبان را برای تفسیر قانون اساسی به میان می‌کشد و دست افرادی چون احمد جنتی، دبیر آن شورا را در صدور ابلاغیه‌هایی چون آن‌چه که در فروردین‌ماه، در مورد ممنوعیت عضویت اقلیت‌های دینی در شوراهای شهر و روستا صادر کرد، باز می‌گذارد.

تبعیض نسبت به اقلیت‌های دینی و مذهبی و زیرپا گذاشتن حقوق آنان در جمهوری اسلامی ایران، هرچند که موضوع تازه‌ای نیست و حتی با توجه به قانون اساسی، درست به‌اندازه‌ی ۳۹ سال عمر این نظام قدمت دارد، اما با ماجرای سپنتا نیکنام، وارد مرحله‌ی جدیدی شده است. جنجال‌ها در مورد این مسأله و پا به میدان گذاشتن مقام‌های مسؤول برای اظهار نظر در این مورد، ممکن است توجهات را به‌طور جدی به ناکارآمدی و تبعیض‌آمیز بودن قوانین و سازوکارهای حقوقی جمهوری اسلامی ایران نسبت به اقلیت‌های دینی و مذهبی جلب کند و با یک نگاه خوش‌بینانه، بتواند قدمی باشد، هرچند کوچک، اما در مسیر اصلاح اساسی این قوانین.

به‌عنوان اقلیت‌های شناخته‌شده در جمهوری اسلامی ایران، مطرح شده‌اند. در همین اصول آمده است که این اقلیت‌ها در حدود قانون، در انجام مراسم مذهبی یا دینی خود آزادند و اجازه دارند در احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و تعلیمات دینی، طبق آئین خود عمل نمایند.

از همین اصول اولیه که ظاهراً به‌منظور رعایت حقوق اقلیت‌های دینی و مذهبی در قانون اساسی جمهوری اسلامی گنجانده شده است، با نادیده گرفتن و به رسمیت نشناختن دیگر عقاید (به‌جز مواردی که مشخصاً ذکر شده است)، در واقع سنگ بنای اعمال نوعی تبعیض ساختاری نسبت به هر آن کسی که به عقایدی جز موارد ذکر شده باور داشته باشد، گذاشته می‌شود. این اصول به‌آسانی می‌توانند توجیه‌گر تبعیض و فشارهای سیستماتیک و دائمی بر بهائی‌ها، درویش گنابادی، یارسان‌ها، شیعیان اسماعیلی و هر آن فرد یا گروهی گردد که عقایدی دگرگونه داشته باشد.

اما اصل چهاردهم قانون اساسی، تنها اصلی است که به‌طور کلی به رابطه‌ی «دولت» با غیرمسلمانان می‌پردازد. هرچند، این ابهام وجود دارد که چرا تنها دولت و قوه‌ی مجریه در این اصل مطرح شده و نامی از دیگر قوا و نهادهای حکومتی نیامده است؟

جدی و دقیق به حقوق ضروری اقلیت‌های دینی و مذهبی یا به‌طور کلی، افراد با عقاید و باورهای متفاوت از دین و مذهب رسمی جمهوری اسلامی ایران، پرداخته نشده است.

البته این منشور، هنوز با تبدیل شدن به قانون فاصله‌ی زیادی دارد و حتی به‌عنوان یک لایحه به مجلس شورای اسلامی هم ارائه نشده است. لعیا جنیدی، معاون حقوقی رئیس‌جمهوری، ماه گذشته اعلام کرد که لایحه‌ی حقوق شهروندی، در یک شورای حقوقی متشکل از ۲۰ حقوق‌دان، در آخرین مرحله‌ی بازخوانی و بازبینی قرار دارد و در اوایل آذرماه به دفتر دولت می‌رسد. او ابراز امیدواری کرد که این لایحه، تا پیش از پایان سال به مجلس ارسال شود. ما هم باید امیدوار باشیم که بخش‌های مغفول‌مانده در «منشور حقوق شهروندی»، در این بازبینی‌های نهایی در نظر گرفته شوند.

**\* جایگاه اقلیت‌های دینی و مذهبی در قانون اساسی**

در اصل دوازدهم قانون اساسی، دین رسمی جمهوری اسلامی ایران، اسلام و مذهب، جعفری اثنی‌عشری عنوان شده است. در اصول دوازدهم و سیزدهم، پیروان ادیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی و همچنین مذاهب اسلامی حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی،



## تعليق عضو زرتشتی شورای شهر و «بدعت» شورای نگهبان



فیروزه رمضان زاده

ادامه عضویت سپنتا نیکنام، شهروند زرتشتی و یکی از ۱۱ عضو اصلی پنجمین دوره شورای شهر یزد، به دلیل مخالفت شورای نگهبان همچنان در ابهام قرار دارد. دیوان عدالت اداری نیز حکم تعلیق پیشین او را همچنان معتبر دانسته است.

نعمت احمدی، حقوق‌دان ساکن تهران، در گفت‌وگو با مجله «حقوق ما»، تصمیم شورای نگهبان در مورد منتخب شورای شهر یزد را از منظر حقوق عمومی بررسی می‌کند. او می‌گوید: «همین مسأله تعجب همه را برانگیخته است؛ این که چه موضوع و حساسیتی به وجود آمده که در این شرایط و زمان، دبیر شورای نگهبان، آقای احمد جنتی به این فکر بیافتد و مستند به یکی از سخنان حضرت امام چنین نامه‌ای را بفرستد.»

این حقوق‌دان به آیه ۱۴۱ سوره نسا «ولن يجعل الله للكافرين على المؤمنين سبيلا» و قاعده نفی سبیل اشاره می‌کند: «یک قاعده‌ای است در یکی از آیات قرآن که اگر در یک جایی جمعیت مسلمان باشند، نفی سبیل، یعنی یک غیر مسلمان نمی‌تواند در آنجا «ولایت» داشته باشد. بحث «ولایت، حکومت یا وکالت» از ابتدا مطرح بوده است. به فرض هم اگر بخواهیم براساس این آیه قرآن عمل کنیم، یک نماینده شورای شهر از طرف مردم «وکالت» دارد. کسی که در رأی‌گیری شرکت می‌کند و مردم به او رأی می‌دهند، چون وکیل مردم است، وکالت به او می‌دهند. وکالت منطبق بر آن آیه قرآن نیست. در آن آیه بر ولایت و رهبری تأکید کرده است.»

احمدی؛ عضویت سپنتا نیکنام در شورای شهر یزد را منطبق با قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور می‌داند که پس از تصویب در سال ۷۵ به تأیید شورای نگهبان هم رسید.

او می‌گوید: «پرسش این است که چه وضعی پیش آمده



اما به دنبال شکایت علی‌اصغر باقری، یکی از نامزدهای شکست‌خورده شورای شهر و از روحانیون محافظه‌کار که او هم کاندیدا شده بود، عضویت سپنتا از سوی شورای نگهبان غیر شرعی اعلام شد. همان‌طور که می‌دانید، تعداد اعضای شورای شهر در سایر شهرها به جز تهران، ۱۱ عضو و در تهران، ۲۱ نفر است. آن آقا ظاهراً نفر چهلم شده بود و می‌رود به دیوان عدالت اداری شکایت می‌کند و پس از آن نامه‌ای از دبیر شورای نگهبان صادر شد که برابر آن نامه؛ غیر مسلم نمی‌تواند عضو شورای شهر شود.»

نعمت احمدی با تأکید بر این که با ارسال این نامه برای همیشه و هیچ وقت فرد غیر مسلمان نمی‌تواند در شورای شهر کاندیدا شود، به اصل ۶۴ قانون اساسی اشاره می‌کند و می‌گوید پنج اقلیت، زرتشتیان و کلیمیان، هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده انتخاب می‌کنند. حالا چرا شورای نگهبان این حق را برای خودش قائل است؟ در اصل ۴ قانون اساسی کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد و تشخیص این امر هم بر عهده شورای نگهبان است.»

شناخته‌شده در قانون اساسی به جای اسلام باید به اصول دین خود اعتقاد و التزام عمل کنند و به کتاب دینی خود سوگند بخورند.»

به گفته احمدی، وقتی که قانون صراحت دارد نماینده‌ای که غیر مسلمان باشد ولی به نمایندگی شورای شهر انتخاب شد، به قرآن قسم نخورد به کتاب خودش قسم بخورد، یعنی قانون اجازه حضور او را به عنوان نماینده غیر مسلمان صادر کرده، در جایی که مردم به او رای داده‌اند. او با اشاره به عضویت سپنتا نیکنام در دوره چهارم شورای شهر توضیح می‌دهد: «آقای سپنتا چهار سال قبل، در یک دوره چهار ساله عضو شورای شهر یزد بود با بدست آوردن نزدیک ۲۰ هزار رأی. در این دوره، خیلی عجیب است که شورای نگهبان چنین تصمیمی را گرفته و وقتی آقای سپنتا مجدداً برای دومین بار در سال ۹۶ رأی آورد

است که شورای نگهبان الان به این فکر افتاده است؟ حال این که، فی الواقع اگر اعضای شورای نگهبان حساسیت دارند و اسلامی فکر می‌کنند و می‌خواهند طاق به طاق، همه امور اسلامی باشد، چرا در سال ۱۳۷۵ به این فکر نیفتادند؟ در آن سال، یک قانونی در مجلس پنجم تصویب شد، مجلسی که اصلاح‌طلب هم نبود، مجلس پنجم که یکی از راست‌گراترین مجالس شورای اسلامی بود، یعنی اواخر دوران ریاست جمهوری مرحوم آقای هاشمی رفسنجانی و ریاست مجلس هم بر عهده آقای ناطق نوری بود، همان سالی که آقای خاتمی یک سال بعد به ریاست جمهوری رسید.»

این حقوق‌دان به تبصره ۱ ماده ۲۶ «قانون تشکیلات، وظایف و انتخابات شوراهای اسلامی کشور اشاره می‌کند و می‌گوید: «براساس این تبصره، اقلیت‌های دینی





در نظر گرفته اما در سال ۷۹ شورای نگهبان، آیین نامه داخلی خود را اصلاح کرد.»

احمدی با اشاره به ماده ۱۹ آیین‌نامه داخلی شورای نگهبان و حذف مهلت مورد اشاره در اصل ۹۴ قانون اساسی، توضیح می‌دهد: «این ماده می‌گوید اعلام مغایرت قوانین و مقررات یا موادی از آن‌ها با شرع با توجه به اصل چهارم قانون اساسی، در هر زمان که مقتضی باشد توسط اکثریت فقهای شورای نگهبان انجام می‌یابد و تابع مهلت مورد اشاره در اصل ۹۴ قانون اساسی نمی‌باشد. یعنی در هر زمان که متوجه شدند، می‌توانند آن مصوبه را مغایر با شرع بدانند. بنابراین مستند به این ماده ۱۹ آقای جنتی آن نامه را نوشت و علاوه بر این ماده اعلام کرد که حضرت امام هم در سال ۱۳۵۸ چنین سخنانی را مطرح کرده بودند.»

به گفته این حقوق‌دان؛ مسأله ثانویه است که آقای سپنتا نمی‌تواند علی‌رغم رأی مردم به شورای شهر راه پیدا کند و رأی مردمی که به ایشان رأی داده‌اند، تضییع می‌شود یک بحث است: «من چندی پیش در یک مقاله که در روزنامه اعتماد چاپ شد، بیان کردم ما فقط خوف این را نداریم که آقای سپنتا به شورای شهر راه پیدا نمی‌کند، با این که عیب بسیار بزرگی است. اما اشکال اساسی که این نامه آقای جنتی گذاشته این است که دیگر هیچ قانونی در هیچ زمانی برای هیچ زمانی دائمی نیست، شورای نگهبان هر موقعی که تشخیص دهد آن هم به تشخیص خودش، بدون این که امکان اعتراض به تشخیص و نظر شورای نگهبان وجود داشته باشد، قوانین را تغییر می‌دهد.»

احمدی اضافه می‌کند: «شورای نگهبان چرا در سال ۷۵ که این قانون تصویب شد چنین ایرادی وارد نکرد؟ چرا آن موقع به تبصره یک ماده ۲۶ قانون قانون انتخابات شوراها که عضویت شهروندان اقلیت‌های مذهبی به رسمیت شناخته شده و می‌گوید غیر مسلم به کتاب خودش سوگند بخورد، یعنی غیر مسلم می‌تواند به عنوان یکی از نمایندگان شورای شهر انتخاب شود، ایرادی وارد نکردید؟ چرا آن زمان نگفتند که در منطقه‌ای که بیشتر مردمش مسلمان هستند، [اگر] یک غیر مسلم بر آن‌ها وکالت پیدا کند، ایراد شرعی به وجود می‌آید؟»

او این موضوع را مطرح می‌کند که «شورای نگهبان برخلاف اصل ۹۴ و ۹۵ قانون اساسی عمل می‌کند، اصولی که برای این شورا مدت ۱۰ روزه در نظر گرفته که جواب

یک مصوبه را بررسی و تأیید یا عدم تأیید یا مغایرت آن با شرع بیان کنند، همان اصل گفته اگر این مدت منقضی شد، آن مصوبه لازم‌الاجرا است، این‌جا شورای نگهبان برای خودش یک وقتی را تا قیامت و انقلاب حضرت مهدی در نظر گرفته و قانون‌گذاری می‌کند. یعنی الان در کشور، قانون هم در مجلس شورای اسلامی نوشته می‌شود و هم شورای نگهبان می‌تواند قانونی را نقض کند و یک قانون جدیدی را بنویسد که این مغایر با قانون اساسی است و اشکال این‌جاست.»

نعمت احمدی این رویه شوراها را مسبوق به سابقه می‌داند: «چندین مورد، مشابه نمونه این مورد داشته‌ایم؛ حالا یک مورد به آن موارد اضافه شده است. موضوعی که دقیقاً در ۲۱ سال پیش تصویب شده و خود شورای نگهبان نظر داد که اشکالی ندارد، حالا بعد از ۲۱ سال می‌گویند ایراد دارد؛ یعنی قانون قطعی لازم‌الاجرائی که بارها هم مورد استناد قرار گرفته و شورای نگهبان هم

تأییدش کرده است، یک باره آمده و می‌گوید نه! اگر این بدعت یعنی موضوع آقای سپنتا متداول شود و جلوی این موضوع گرفته نشود، در موارد مشابه هم خواهند گفت.» این حقوق‌دان مطرح می‌کند: «کاش شورای نگهبان به مسأله اصلی «ربا» در کشور توجه داشته باشد؛ موضوعی که در قرآن هم به آن اشاره شده است و اصولاً قیام و بعثت حضرت رسول به دلیل نابرابری در مکه صورت گرفت که جامعه اشرافی آن رباخواری می‌کردند حالا در کشوری که این همه رباخواری صورت می‌گیرد شورای نگهبان اظهار نظر کند.»

نعمت احمدی در پایان تأکید می‌کند: «حالا این فعلاً شروعی است که باید ببینیم بعد چه پیش می‌آید. از طرفی آیت‌الله مدرس یزدی، عضو فقهای شورای نگهبان، یک روز اعلام کرد که «شرایط مطلوبی که اقلیت‌های مذهبی در ایران دارند در هیچ جای دنیا ندارند». فردای آن روز من یک مقاله نوشتم و گفتم من یک نفر به شما معرفی

می‌کنم به نام صادق خان، ایشان مسلمان و شهردار لندن است با حقوقی برابر، شما بروید کمی تاریخ بخوانید و به مسائل روز آشنا شوید.»

آیت‌الله مدرس یزدی، عضو فقیه شورای نگهبان ۴ آبان ماه جاری در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری شبکه دو سیمای جمهوری اسلامی، ضمن ارائه توضیحاتی درباره علت جلوگیری از عضویت سپنتا نیکنام، گفته بود: «امکاناتی که نظام اسلامی فراهم کرده، همه و همه مورد استفاده اقلیت‌ها هم هست. گاهی مواردی که برای عموم مسلمانان ممنوع است، برای برخی از اقلیت‌ها در چهار دیواری خانه خودشان آزاد است. مسلمان‌ها پای‌بندند که علاوه بر مالیات، وجوهاتی مانند خمس و زکات بپردازند، در حالی که اقلیت‌ها این را پرداخت نمی‌کنند. فکر نمی‌کنم این موضوع در هیچ جای دنیا وجود داشته باشد.»

مختلف می‌تواند نتایجی به بار داشته باشد. مثلاً در احوال شخصیه هیچ غیر مسلمانی نمی‌تواند بر مسلمان، ولایت داشته باشد. به تبع این قاعده اگر فرزندی، مادری مسلمان و پدری غیر مسلمان داشته باشد، پدر او ولایت او بر او نخواهد داشت.»

او در مثالی دیگر درباره تاثیر این قاعده فقهی در «احوال شخصیه» شهروندان تأکید می‌کند: «همچنین مرد مسلمان می‌تواند با زن غیر مسلمان اهل کتاب ازدواج کند اما برعکس آن ممکن نیست. دلیل این امر هم این است در قرآن، تسلط مرد بر زن به رسمیت شناخته شده است.»

به نظر امیرسالار داوودی، «در حوزه حاکمیتی نیز قاعده نفی سبیل یک قاعده پذیرفته شده است. البته برخی دیگر از همکاران عنوان کرده‌اند این که مسیحیان، کلیمیان یا زرتشتیان می‌توانند در مجلس نمایندگی داشته باشند، نشانه این است که شکلی از حاکمیت غیر مسلمان بر مسلمان به رسمیت شناخته شده، حال آن که غیر مسلمانان در این مورد تنها می‌توانند نماینده جمعیت مذهبی خود باشند و هیچ ولایتی بر مسلمانان نخواهند داشت.»

این وکیل دادگستری درباره رابطه این دست از قوانین حاکم بر جمهوری اسلامی با موازی حقوق بشری معتقد است: «طبعاً ممکن است گفته شود این اصول حقوقی با بایسته‌های حقوق بشری در تضاد است. ما نباید فکر کنیم که می‌توان تمام قوانین شرعی را با بایسته‌های حقوق بشری تطبیق داد. این که دولت‌های اسلامی در پیوستن به معاهدات بین‌المللی برای خود حق تحفظ قائل هستند، به این معناست که می‌دانند در برخی جاها ممکن است اصول حکومت مذهبی با قواعد حقوق بشری عرفی منطبق نباشد.»

داوودی ادامه می‌دهد: «ما وقتی می‌پذیریم قالب حاکمیتی‌مان شرعی باشد ناچار هستیم که به قواعد شرعی غیر منطبق با موازین حقوق بشری آن گردن بگذاریم. اگر ما خواستار حکومتی هستیم که در آن «سیاست ما عین دیانت ما و دیانت ما عین سیاست ما» باشد، نتیجه‌ای جز این وضعیت نخواهد داشت. پس به جای تلاش برای پاشیدن رنگ انطباق میان موازین شرعی اسلامی با قواعد



## رد نمایندگی

## نیک‌نام، منطبق با

## قوانین جمهوری

## اسلامی



### میلااد پورعیسی

امیر سالار داوودی وکیل دادگستری ساکن تهران، معتقد است که رد نمایندگی سپنتا نیک‌نام، نماینده زرتشتی مردم یزد در شورای این شهر، با قوانین کنونی جمهوری اسلامی منطبق است. او می‌گوید که تا قوانین ایران از سیستم دینی به سکولار تغییر نکنند، بن‌بست‌هایی مانند موضوع سپنتا نیک‌نام حل نخواهند شد.

او معتقد است: «چون طبق اصل چهارم قانون اساسی که اصلی ثابت و بدون تغییر است، منبع تمام قوانین عادی و اساسی ما باید فقه اسلامی و مذهب جعفری باشد و از سوی دیگر نیز قاعده نفی سبیل از قواعد ضروری اسلام است، بنابراین نمی‌توان اشکال قانونی به کار شورای نگهبان در نظر گرفت.»

این وکیل دادگستری در توضیح تحلیل خود به «حقوق ما» گفت: «قاعده نفی سبیل می‌گوید هیچ غیر مسلمانی نباید به مسلمان راه داشته باشد. این اصل در حوزه‌های



حقوق بشری، باید این عدم انطباق را پذیرفت و مردم را برای تصمیم‌گیری درباره این شرایط دعوت کرد.»  
او در انتقاد به تلاش برخی از سیاستمداران و حقوق‌دانان برای تطبیق قوانین حاکم بر جمهوری اسلامی با موازین حقوق بشری نیز می‌گوید: «پرداختن جزء به جزء به تصمیم‌های مختلف حکومتی و تلاش برای نزدیک کردن آنها به اصول امروزی حقوق بشری نمی‌تواند راهکار معقولی باشد. موازین حقوق بشری عرفی امروز نمی‌پذیرد که یک فرد را به دلیل اعتقاد مذهبی، خواه وابسته به اکثریت یا اقلیت مردم، از حق انتخاب شدن یا انتخاب کردن در مناصب سیاسی محروم کنیم.»

داوودی با بیان این که «در احوال شخصیه حتی وقتی ما می‌گوییم که بنا بر موازین شرعی مرد غیر مسلمان نمی‌تواند با زن مسلمان ازدواج کند بنا بر اصول حقوق بشری قابل پذیرش نیست»، تأکید می‌کند که با تبصره و تفسیرهای متفاوت نمی‌توان جامعه را از چنین تنگناهایی رها کرد. از سوی دیگر همان‌طور که گفتم وقتی در اصل چهارم قانون اساسی اعلام می‌دارد منبع تمام قوانین عادی و اساسی باید شرع اسلام باشد و وظیفه نظارت بر این امر را به عهده شورای نگهبان گذاشته‌اند، پس این نهاد می‌تواند در هر زمانی که تشخیص داد هر قانونی را که بر خلاف اصول فقهی دانست ملغی اعلام کرده و خواستار اصلاح آن شود.»

#### باید قوانین سکولار حاکم شوند

امیر سالار داوودی در پاسخ به این پرسش که «آیا تبعیض جنسیتی و مذهبی در قانون اساسی جمهوری اسلامی نهادینه است؟» توضیح می‌دهد: «اگر نهادینه بودن تبعیض به معنای قانونمند بودن آن باشد و از سوی دیگر نیز تبعیض را به معنای عرفی آن در نظر بگیریم، باید گفت این شرایط در قانون اساسی و به تبع آن در قوانین عادی نهادینه است. اما موضوع این است که بر اساس قواعد شرعی حاکم بر اصول حقوقی جمهوری اسلامی، این تبعیض‌ها کاملاً مشروع به حساب می‌آیند.»

او در توضیح مشروعیت تبعیض جنسیتی و مذهبی در سیستم حقوقی جمهوری اسلامی می‌گوید: «برای نمونه در قوانین بسیاری کشورها در مورد قتل، تبصره‌ای به نام

«دفاع مشروع» داریم که اگر قاتل، برای دفاع از خود قتل را انجام داده باشد، کار او از نظر قانونی مشروع به شمار می‌آید. حاکمیت دینی جمهوری اسلامی برای این تفاوت‌هایی که میان دو جنس زن و مرد، و البته میان مسلمان و غیر مسلمان قائل است، مشروعیت دینی و الهی قائل است و نام آن را تبعیض نمی‌گذارد. یا در نمونه دیگر مثلاً در همین قوانین شرعی که مفاهیمی مانند زنا وجود دارد، می‌بینید که زنا را غیر محصنه مرد غیر مسلمان با زن مسلمان حکم اعدام دارد ولی در صورتی که هر دو طرف مسلمان باشند تنها با حکم شلاق رو به رو خواهند شد. باز در قوانین مربوط به ارث، اگر در زمره بستگان متوفای غیر مسلمان حتی یک فرد مسلمان باشد، بدون در نظر گرفتن درجه خویشاوندی او با متوفی، می‌تواند تمام ارث او را برای خود تصاحب کند. بنابراین می‌بینید که تبعیض، در این سیستم حقوقی نهادینه، قانونی و سازمانی است.»

این وکیل دادگستری همچنین در پاسخ به این پرسش که «آیا می‌توان در چارچوب همین قوانین جاری کاری کرد که سپنتا نیکنام به شورای شهر یزد برگردد؟» با اشاره به روح حاکم بر دستگاه حقوقی فقه شیعه، می‌گوید: «فقه امامیه یک تفاوت عمده با دیگر مذاهب اسلامی دارد و آن این است که در آن باب اجتهاد باز است. البته این اجتهاد درباره احکام ثانویه جاری است و نه درباره ضروریات و اولیات اسلام مانند حجاب و قصاص و نظایر این‌ها. قاعده نفی سبیل یکی از ضروریات اسلام است و از طریق آن راه کفار برای استیلا بر مسلمین بسته می‌شود. بنابراین نمی‌توان تغییری در آن ایجاد کرد.»

او درباره راه حل اساسی برون رفت از این شرایط می‌گوید: «در درجه اول برای برون‌رفت از بن‌بست‌هایی نظایر موضوع آقای نیکنام، باید قوانین ما از دینی به سکولار تغییر یابند. در غیر این صورت هیچ‌کدام از این تغییرات ممکن نخواهند بود. حکومت دینی تا به امروز مردم را به آن درجه نرسانده که آن‌ها خواهان تغییر کلی در سیستم سیاسی و حقوقی کشور از دینی و عرفی شوند و تا آن زمان ناچار این روند تداوم خواهد یافت.»



# ضربه‌ای که به دروازه خورد

## داستانی از فرانتس کافکا



یک روز گرم تابستانی بود. من همراه خواهرم در راه خانه‌ی خود از دروازه منزل بزرگی عبور کردیم. اکنون نمی‌توانم بگویم که آیا او عمداً یا سهواً ضربه‌ای به دروازه کوفت، یا فقط با دست خود اشاره‌ای به آن کرد و اصلاً آن را نکوفت. صد قدم آن طرف‌تر، که در آن‌جا راه به سمت چپ می‌پیچید، قریه شروع می‌شد. ما این مطلب را خوب نمی‌دانستیم. ولی هنوز از اولین خانه نگذشته بودیم که جمعیتی پیدا شدند و اشاراتی دوستانه یا اخطارکننده به ما می‌کردند. ظاهراً خودشان هم وحشت‌زده بودند و هراسان سرهایشان را خم می‌کردند.

آن‌ها به سوی قلعه‌ای که ما از کنار آن عبور کرده بودیم، اشاره می‌نمودند و ضربه‌ای را که به دروازه خورده بود، به یاد ما می‌آوردند. مالک قلعه ما را به این کار متهم کرده بود و پرسش فوراً آغاز می‌شد. من آرامش خود را حفظ کردم و کوشیدم ترس و بیم خواهرم را نیز برطرف سازم. احتمالاً او اصلاً در را نکوفته بود یا اگر هم کوفته بود، هرگز این کار نمی‌توانست به ثبوت رسد.

من کوشش می‌کردم که این مطلب را برای مردمی که در اطراف ما ایستاده بودند روشن کنم. آن‌ها هم به سخنان من گوش دادند ولی از هرگونه اظهار عقیده خودداری می‌کردند، بعد به من گفتند نه تنها خواهرم، بلکه خود من نیز به عنوان برادر او متهم می‌شدم. من سرم را تکان دادم و لبخند زدم. همگی ما برگشتیم و به قلعه خیره شدیم. مثل این‌که کسی توده‌ای دود ابری‌شکل را از دور تماشا می‌کند و منتظر ظهور شعله‌هاست.

درست در سمت راست دفعتاً سوارانی را دیدیم که از دروازه‌ی چهارطاق باز وارد قلعه می‌شدند. گرد و غبار برخاست و همه چیز را از نظر پنهان کرد، فقط نوک نیزه‌های بلند می‌درخشید. پیش از این‌که به نظر آید اسب‌هایشان را دوباره برگردانند، مشکل که گروه سواران درون حیاط قلعه ناپدید شده بودند، زیرا قبلاً راه‌شان را به سوی ما ادامه می‌دادند. خواهرم را وادار کردم که مرا ترک گوید. گفتم خودم همه کارها را روبه‌راه می‌کنم. او امتناع کرد که مرا ترک کند. به او گفتم که اقلابایستی لباسش را عوض کند و با جامه‌ی بهتری در برابر این آقایان ظاهر شود. بالاخره اطاعت کرد و راه طولانی خانه را پیش گرفت. سواران قبلاً در کنار ما بودند و حتی قبل

از پیاده‌شدن از خواهرم جویا شدند. جواب قانع‌کننده این بود که او اکنون در این‌جا نیست ولی بعداً خواهد آمد. جواب من مواجه با بی‌اعتنایی شد؛ به نظر می‌آمد مسأله‌ی مهم این است که مرا پیدا کرده‌اند. اعضاء اصلی این دسته معلوم شد. جوان سر زنده‌ایست که قاضی بود و معاون ساکتش که آس‌مان نامیده می‌شد.

به من دستور دادند که داخل مهمان‌خانه قریه شوم. در حالی که سرم را می‌تکاندم و شلوارم را بالا می‌زدم، آهسته شروع به صحبت کرد و در این مدت، چشمان تیز جمعیت به چهره‌ی من خیره شده بود.

من هنوز گمان می‌کردم که یک کلمه کافی بود تا مرا که مرد شهری و شریفی هستم، از دست این مردم دهاتی خلاص کند. لکن هنگامی که به آستانه مهمان‌خانه قدم گذاردم، قاضی که جلوتر به داخل شتافته بود و قبلاً انتظار مرا می‌کشید، گفت: «واقعاً برای این مرد متأسفم.»

امکان هیچ‌گونه تردیدی وجود نداشت که مقصودش از این سخن، وضع کنونی من نبود بلکه چیزی بود که برای من اتفاق می‌افتاد.

اتاق بیشتر به حجره‌ی زندان به نظر می‌آمد تا سالن پذیرایی یک مهمان‌خانه. تخته‌سنگ بزرگی در کف اتاق دیده می‌شد و دیوارهای تیره و کاملاً برهنه‌ای که در یکی از آن‌ها حلقه‌ی آهنینی نصب شده بود، در وسط اتاق چیزی دیده می‌شد که نیمی توشک کاهی و نیمی میز عمل به نظر می‌آمد.

آیا من اکنون می‌توانستم هوای دیگری جز هوای زندان را تحمل کنم؟ مسأله‌ی بزرگ و مهمی است. یا بالاتر از این مسأله هنگامی عظیم و مهم می‌بود که من هنوز اندیشه‌ی خاصی داشتم.

### پانوشت:

ترجمه‌ی این داستان کافکا به سال ۱۳۳۵ در شماره دوم دفتر «جنگ هنر و ادب امروز» منتشر شده است. نام (احتمالاً مستعار) مترجم که ذیل مطلب درج شده، «شرف» است.



# حقوق ما

ما از عدالت سهمی داریم

دو هفته نامه الکترونیکی تخصصی حقوق بشر  
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: سازمان حقوق بشر  
ایران / محمود امیری مقدم  
سر دبیر این شماره: کامبیز غفوری  
تماس با مجله: [mail@iranhr.net](mailto:mail@iranhr.net)

